

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

## تاریخ حزب کار البانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی  
چاپ «نعمیم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش چهل و هشتم

۱۰ اکتوبر ۲۰۱۴

### مداخله بی پروای رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی در امور داخلی حزب کمونیست البانی

روز ۲۵ نومبر، در آستانه رهائی کامل کشور، دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی در برات تشکیل شد. صفوف حزب گسترش یافته و در آن موقع مشتمل بر ۲۸۰۰ نفر بود. دعوت این پلنوم ضروری بود تا کار انجام یافته و پیروزی هائی را که به وسیله حزب و خلق در مبارزه رهائیبخش ملی به دست آمده بود تراز بندی کند و وظائف مرحله جدید انقلاب را که با رهائی البانی آغاز می گردید، تعیین کند.

ولی کار های پلنوم در اثر مداخله بی پروای رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی در امور داخلی حزب کمونیست البانی یکباره جریان دیگری یافت.

در دوران جنگ دوم جهانی، خلق البانی و خلق های یوگوسلاوی که به پیکاری قهرمانه علیه دشمن مشترک یعنی اشغالگران فاشیست دست زده بودند باهم روابط برادرانه هم‌رزمی برقرار کردند. حزب کمونیست البانی و حزب کمونیست یوگوسلاوی با یک دیگر پیوند نزدیک داشتند.

عده ای از کادر های حزب کمونیست البانی بنابر دعوت حزب کمونیست یوگوسلاوی به نواحی کوسووا فرستاده شدند تا در آنجا به تشکیل حزب بپردازند و مبارزه علیه اشغالگران را سازمان دهند. سازمان حزب کمونیست البانی در منطقه دئیر کمک بسیار به شهر های دئیر، گوستیوار، تتووا، کرچورا و حومه آنها در سازماندهی مبارزه رهائیبخش می رسانید.

میلادین پوپویچ، کمونیست انترناسیونالیست یوگوسلاوی، که کمونیست های البانی در پائیز ۱۹۴۱ از اردوگاه فاشیستی پکن آزاد ساخته بودند در البانی ماند تا رابطه بین دو حزب باشد و در مناسبات میان حزب کمونیست البانی و

حزب کمونیست یوگوسلاوی در کلیه شرایط از روش انترناسیونالیستی کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی پشتیبانی می کرد.<sup>۱</sup>

رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی در صدد سوء استفاده از روابط نزدیکی که بین خلق البانی و خلق های یوگوسلاوی به وجود آمده بود بر آمد و خواست اراده خویش را بر حزب کمونیست البانی تحمیل کرده منظور های شوینستی خود را در باره البانی بر آورده سازد.

در تابستان ۱۹۴۳ ووکمانوویچ- تمپو یکی از رهبران اصلی حزب کمونیست یوگوسلاوی که با مأموریت خاص تشکیل «ستاد بالکان»<sup>۲</sup> به البانی آمده بود کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی را به نادرستی و به شیوه ای کاملاً نپذیرفتنی بدان متهم ساخت که در برابر «بالی کمبتار» روش اپورتونیستی دارد. این افتراء فاحش بر اثر مقاصد خاصی زده شد تا افکار عمومی را بفریبند و چنان جلوه دهند که کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی اگر از طرف «رهبری آزموده تر» حزب کمونیست یوگوسلاوی رهنمود نگیرد، نمی تواند به تنهایی از عهده وظائف رهبری بر آید و از خطا های سنگین بر کنار بماند!

کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی این افتراء ابلیسانه را در آن موقع به کلی بی پایه خواند و رد کرد. معنک نخستین تشبث رهبری یوگوسلاوی در این که حزب کمونیست البانی را به تبعیت خویش در آورد آثار خود را باقی گذاشت. کوچی جوجی، عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی و سیف اله مالشوا، نامزد کمیته مرکزی از نظریه نادرست تمپو پشتیبانی کردند و نشان دادند که آماده پذیرفتن مشی رهبران شوینستی یوگوسلاوی و دستور های آنان هستند. از آن پس در واقع کوچی جوجی به رهبری یوگوسلاوی خدمت می کرد و عامل وی در حزب کمونیست البانی بود.

ووکمانوویچ - تمپو در پائیز ۱۹۴۳ نظریه شوینستی خود را یک باره ظاهر ساخت. او فعالیت کاملاً انترناسیونالیستی سازمان حزب کمونیست البانی را در منطقه دئیر و شهر ها و مناطقی از یوگوسلاوی که محل سکونت البانی ها و مقدونی ها بود و اعتبار فراوان این سازمان و ستاد منطقه ئی دئیر را در نزد مردمان آنجا خطرناک می شمرد. ووکمانوویچ - تمپو از مقدونیه دو نامه پشت سر هم به کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی فرستاد و با لحنی بسیار شدید کمونیست ها و پارتیزان های البانی، فرمانده ستاد منطقه ئی، حاجی لشی، و نیز کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی را به «شوینسیم بیحد» و دلبستگی به طرح «البانی بزرگ» متهم ساخت. او با شیوه ای خشونت آمیز می طلبید که کلیه پارتیزان های البانی که در یوگوسلاوی بودند از گردان های ارتش رهاییبخش ملی البانی خارج شوند و تحت فرماندهی ستاد یوگوسلاوی در آیند، حاجی لشی از شهر دئیر برود و فقط آنگاه باز گردد که ستاد یوگوسلاوی خواهان کمک او باشد، شورای رهائی ملی دئیر رابطه خود را با ستاد البانی قطع کند و از آن بیعد و ایسته به ستاد یوگوسلاو باشد. تمپو تهدید کنان نوشته بود: «در غیر این صورت برخوردی روی خواهد داد که کمونیست ها نیز در آن شرکت خواهند کرد»!

کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی از این مداخله غیر قابل قبول سخت بر آشفته شد. اتهامات و افتراءات تمپو را رد کرد و مخصوصاً تعجب بسیار خود را از لحن خشن و کاملاً غیر کمونیستی نامه های او و از دروغ های فاحش او اظهار داشت. در عین حال به تمپو اخطار کرد که به هیچ وجه نخواهد پذیرفت که عناصر بیگانه به واحد های پارتیزانی البانی فرمان بدهند و اراده خود را بر حزب کمونیست البانی تحمیل کنند.

<sup>۱</sup> - میلین پوپویچ در سپتامبر ۱۹۴۴ به دستور رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی البانی را ترک گفت و در مارس ۱۹۴۵ در توطئه ای که به دست دو اثر مخفی یوگوسلاوی ترتیب داده شده بود به قتل رسید.

<sup>۲</sup> - تشکیل «ستاد بالکان» بنابر ابتکار تیتو شروع شد. رهبری یوگوسلاوی می خواست به این وسیله نیرو های مسلح رهاییبخش یونان، البانی و بلغارستان را تحت فرماندهی خود در آورد. تشبثات برای تشکیل «ستاد بالکان» در اثر مخالفت احزاب کمونیست و خلق های قیام کننده بالکان به نتیجه نرسید.

در مناطق کوسووا در ارتش و حزب در نزد رهبران یوگوسلاوی تظاهرات شوینیستی بارز به چشم می خورد. آنها، بی اعتناء به اراده البانی ها، با نظریه حق خلق ها در تعیین سرنوشت خویش که در دوران جنگ تأیید شده بود به شیوه های گوناگون مبارزه می کردند و در مناطق کوسووا و منتتگرو کاملاً مانند دار و دسته میخائیلوویچ به عملیاتی مبتنی بر تبعیض نژادی و به کشتار البانی ها دست می زدند. کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی و سازمان های حزب در اشکودرا و ترپوژا چندین بار با روش های شوینیستی عده ای از رهبران یوگوسلاوی مخالفت ورزیده و انتقاد کرده بودند که این روش ها در کوسووا مانع بزرگی بر سر راه رشد مبارزه علیه اشغالگران ایتالیائی و المانی ایجاد می کند.

ولی حزب کمونیست البانی روش انترناسیونالیستی پیگیر داشت و بدون آن که کمترین اثری، اگرچه بسیار ناچیز از شوینیسم داشته باشد با تمام نیرو به گسترش مبارزه ضد فاشیستی در کوسووا یاری می رسانید و در راه برادری خلق البانی و خلق های یوگوسلاوی بر اساس مارکسیسم – لنینیسم، پیکار می کرد. در مورد مسأله کوسووا و سایر مناطق البانی نشین یوگوسلاوی، هرگز حزب کمونیست البانی شعار فاشیستی «البانی بزرگ» را نپذیرفته بود. حزب کمونیست البانی حل صحیح این مسأله را در پیروزی انقلاب توده ئی، هم در البانی و هم در یوگوسلاوی، جست و جو می کرد. حزب کمونیست البانی صریحاً اعلام داشته بود که پس از آن که انقلاب در این دو کشور پیروز شد خلق کوسووا حق خواهد یافت که در باره سرنوشت خودش تصمیم بگیرد و در غیر اینصورت علیه آن یوگوسلاوی که بخواهد او را سرکوب کند و به انقیاد در آورد، مبارزه خواهد کرد.

در آن دوران حزب کمونیست البانی هنوز گمان نمی برد که رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی دارای مطامع شوینیستی باشد زیرا که برای او قابل تصور نبود که رهبران حزبی که خود را مارکسیست – لنینیست می شمارند در دنبال مقاصدی بروند که فقط در نزد احزاب سوسیال شوینیست، امپریالیست ها و ایادی آنها مطرح است. حزب کمونیست البانی می پنداشت که تظاهرات شوینیستی که در طی جنگ در نزد تمپو و برخی از رهبران حزب و واحد های پارتیزانی در صربی و مقدونیه دیده می شد فقط انحرافات بعضی از عناصر منفرد است و انعکاس دهنده سیاست حزب کمونیست یوگوسلاوی نیست.

در ۱۹۴۴ فشار کمیته مرکزی حزب کمونیست یوگوسلاوی بر حزب کمونیست البانی بیش از پیش شدت یافت. کمیته مرکزی حزب کمونیست یوگوسلاوی به شیوه های مختلف می کوشید این فکر را در میان خلق البانی پخش کند که تمام آنچه وی به دست آورده است، از تأسیس حزب کمونیست البانی گرفته تا مبارزه رهائی بخش ملی، همه مدیون «کمک» حزب کمونیست یوگوسلاوی و تیتو است و البانی نوین باید آینده خود را بسته به سرنوشت یوگوسلاوی و فقط یوگوسلاوی، بداند! این سیاست ضد مارکسیستی رهبری یوگوسلاوی به مخالفت محقانه حزب کمونیست البانی برخورد.

رهبری یوگوسلاوی می دید که موانع عمده تحقق اغراض او در البانی عبارتند از مشی مارکسیستی – لنینیستی حزب کمونیست البانی، دبیر کل انور خوجه، و سایر اعضای کمیته مرکزی که با ثبات قدم از این مشی دفاع می کردند و هیچ گونه مداخله خارجی را در امور داخلی حزب و کشور نمی پذیرفتند.

در دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب البانی در نوامبر ۱۹۴۴ کمیته مرکزی حزب کمونیست یوگوسلاوی کوشید که این موانع را از میان بر دارد.

رهبری یوگوسلاوی برای نیل به این مقصود مخصوصاً ولیمیر استوژنیک را به عنوان رئیس هیأت نظامی یوگوسلاوی به البانی فرستاد تا در عین حال رابطه میان حزب کمونیست یوگوسلاوی و حزب کمونیست البانی را تأمین کند. ولیمیر استوژنیک از همان آغاز ورود خویش به البانی بر مشی عمومی حزب کمونیست البانی به حمله

پرداخت و آن را به کلی اشتباه آمیز خوانده خواستار شد که بیدرنگ در مشی مذکور و همچنان در رهبری حزب تغییراتی روی دهد.

دبیر کل حزب انور خوجه با این اتهام دروغ و با این مداخله در امور داخلی حزب به مقابله برخاست ولی دو تن از اعضای هیأت سیاسی، کوچی جوجی و ناکواسیرو از آنها پشتیبانی کردند.

حمله غدارانه رهبری یوگوسلاوی به ویژه آنگاه در هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی پشتیبانی محکمی یافت که سیف اله مالشوا و پاندی کریستو، خلاف موازین سازمانی، به عنوان اعضای هیأت سیاسی بر گماری شدند و به این طریق اکثریتی هوادار یوگوسلاوی در هیأت سیاسی به وجود آمد. ولیمیرا استوژنیک با کمک این عناصر ماجراجو و جاه طلب، و خلاف نظر کمیته مرکزی و دبیر کل حزب، پلاتفرمی تدوین کرد تا در پلنوم در برابر مشی مارکسیستی - لنینیستی مجرب حزب کمونیست البانی گذاشته شود.

پرچم حمله ضد حزبی را در پلنوم سیف اله مالشوا و نماینده یوگوسلاوی<sup>۲</sup> بلند کردند و از طرف کوچی جوجی و سایر شرکت کنندگان این دسیسه مورد پشتیبانی کامل قرار گرفتند.

دسیسه کاران در باره حزب کمونیست البانی که چنان قهرمانانه مبارزه کرده و پیروزی های قطعی در مبارزه انقلابی به دست آورده بود مدعی شدند که «حزب اصیل کمونیستی نیستند» و «مشی و رهبری مارکسیستی - لنینیستی ندارد». راه پر افتخار وی را که در آتش مبارزه آزمایش شده و به رهائی میهن و استقرار قدرت توده ئی انجامیده بود بی اعتبار دانستند و «راهی پر از اشتباه و انحراف» خواندند که پیوسته «از سکتاریسم به اپورتونیزم و به عکس» در نوسان بوده است. مرتدان مذکور انور خوجه را به مثابه «مجمع کلیه اشتباهات» توصیف کردند. سیف اله مالشوا مطرح کرد که حزب ضرورتاً باید «یک پیشوا» داشته باشد و در حالی که به خودش می اندیشید گفت که این مقام باید به کسی «با تدارک عمیق تئوریک» واگذار گردد.

ولیمیر استوژنیک اظهار داشت که فعالیت میلادین پوپویچ در البانی جهت گیری ناصحیح داشته و از طرف رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی رد شده است. وی «مشی نوین» از طرف رهبری مذکور به حزب کمونیست البانی» توصیه کرد.

ولیمیراستوژنیک مدعی گردید که تبلیغ برای این که حزب کمونیست البانی به عنوان رهبر خلق البانی شناخته شود کار سکتاریستی بوده است و در آینده باید نه حزب بلکه جبهه را به این عنوان بشناسانند. او خواستار گردید که نمایندگان متنفذ بورژوازی ارتجاعی و روحانیون بزرگ، صرف نظر از روش دشمنانه ای که نسبت به مبارزه رهائیبخش ملی داشته اند، در ارگان های رهبری جبهه پذیرفته شوند. این توصیه های رهبری یوگوسلاوی با نقشه های امپریالیست های انگلیس و امریکائی مطابقت داشت که بر دولت دموکراتیک البانی فشار می آوردند تا نمایندگان ارتجاع را در درون خویش و در شورای ضد فاشیست بپذیرد به این منظور که بعد ها امپریالیست های انگلیس و امریکائی از آنها به مثابه نقاط اتکاء برای سرنگون ساختن قدرت توده ئی استفاده کنند.

نماینده یوگوسلاوی فعالیت شوراهای رهائی ملی، ارتش رهائیبخش ملی، و کمیسر های سیاسی را بی ارج جلوه داده خواستار گردید که «کله سیاسی قوی» و «فرماندهی نظامی نیرومند» در رأس ارتش گذاشته شود. ولیمیراستوژنیک به ویژه در باره روابط یوگوسلاوی و البانی که گویا بر اساس «برادری در بالکان» مبتنی بود سخن گفت و اظهار داشت: «البانی نمی تواند اقتصاد خود را بسازد و یا رشد مستقل داشته باشد زیرا که امپریالیسم او را یک لقمه خواهد کرد». از اینجهت «هیچ راه دیگری برای وی وجود ندارد مگر آنکه در یک کنفدراسیون و حتی تنگ تر به

<sup>۳</sup> از ولیمیراستوژنیک دعوت شد که به عنوان نماینده حزب برادر در پلنوم شرکت کند و او به اتکاء دسیسه کاران کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی بی محابا در امور داخلی حزب مداخله کرد و کلیه موازین حاکم بر روابط میان احزاب کمونیست را زیر پا گذاشت.

یوگوسلاوی بپیوندند». ولیمیراستوژنیک گفت که به منظور رسیدن به این مرحله باید توده های مردم البانی را برای این پیوند آماده ساخت و تیتو را به عنوان «مظهر رهائی خلق های بالکان و اروپا»<sup>۴</sup> شناسانید.

در پلنوم، حملات دسیسه کاران بر مشی حزب، وظائف مبرمی را که در امر گسترش انقلاب پس از رهائی کشور در برابر حزب کمونیست البانی قرار داشت، کنار زد. و می توان گفت که بحثی در باره آنها به عمل نیامد. حتی نماینده یوگوسلاوی و سیف اله مالشوا تا بدانجا پیش رفتند که گفتند البانی تا مدت متمادی نخواهد توانست انقلاب سوسیالیستی را به پیش براند و یا به سوی سوسیالیسم برود.

برخی از اعضای کمیته مرکزی و عده ای از نامزد ها که از توطئه ای که در خفا تدارک شده بود و از نیات ابلیسانه رهبری یوگوسلاوی به کلی بی خبر بودند در پلنوم تزلزل صریح نشان دادند و تا حدی نظریات نماینده یوگوسلاوی و گروه ضد حزب را تأیید کردند.

به این طریق از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست یوگوسلاوی، در دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی خرابکاری شد. جهت گیری های این پلنوم و تصمیماتش تقریباً همگی به زیان حزب کمونیست و خلق البانی بود.

یگانه تصمیم صحیح پلنوم عبارت بود از اخراج لیری گگا از صفوف کمیته مرکزی، به علت سکتاریسم و آوانتوریسم حاد وی. توطئه گران این اشتباهات را بدون کمترین دلیلی ولی با اغراض خاصی، فقط ناشی از مشی حزب دانستند و سکتاریسم را خطر عمده در حزب کمونیست البانی به شمار آوردند. پلنوم تصمیم گرفت که کمیته مرکزی باید ترکیب خود را با ۷ عضو جدید و ۱۱ نامزد جدید افزایش دهد.

پلنوم برات ضربه شدیدی بر وحدت رهبری حزب وارد آورد. راه حزب بر روی شکل های سازمانی و شیوه های ضد لنینی و رویزیونیستی که خاص رهبری یوگوسلاوی بود باز شد. زمینه مساعدی برای مداخله پر دامنه رویزیونیست های یوگوسلاوی در امور داخلی حزب و کشور فراهم آمد.

اگر توطئه تیتویست ها در برات به موفقیت نینجامید از آن جهت بود که با مقاومت انور خوجه و سایر اعضای کمیته مرکزی که به دفاع از مشی مارکسیستی - لنینیستی حزب برخاستند، روبه رو شد. رهبری یوگوسلاوی به هدف اصلی خویش که بر انداختن دبیرکل حزب بود نائل نیامد زیرا که اکثریت اعضای پلنوم مطالبه دسیسه کاران را در بر کناری انور خوجه از این سمت رد کردند و خدماتش را به عنوان پایه گذار حزب کمونیست البانی و رهبر حزب کمونیست البانی و رهبر مبارزه رهائیبخش ملی ستودند. ولی توطئه مذکور نخستین تشبثی بود که به منظور تخریب مبانی حزب مارکسیستی - لنینیستی البانی به عمل آمد و خطر بزرگی برای استقلال البانی و انقلاب توده ئی به وجود آورد.

هنگامی که دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی در برات مشغول کار بود ارتش رهائیبخش ملی اشغالگران نازی را از خاک البانی بیرون می راند. ارتش رهائیبخش ملی که دشمن را قدم به قدم تعقیب می کرد و در معرض ضربات سخت قرار می داد روز ۲۹ نومبر آخرین شهر یعنی اشکودرا را آزاد ساخت. به این طریق سراسر البانی آزاد شد و اینک در تمام کشور قدرت دموکراتیک توده ئی بر پا گشته بود. روز ۲۹ نومبر ۱۹۴۴ روز رهائی کامل کشور و پیروزی انقلاب توده ئی است.

همینکه البانی آزاد شد بنابر تصمیم کمیته مرکزی حزب کمونیست و به فرمان فرمانده کل قوا، انور خوجه، دو لشکر از ارتش رهائیبخش ملی البانی (پنجم و ششم) به تعقیب سپاهیان هیتلری در خاک یوگوسلاوی ادامه دادند. پارتیزان های البانی و یوگوسلاوی دوشادوش یک دیگر علیه راهزنان نازی پیکار می کردند. در دسامبر ۱۹۴۴ و جنوری -

<sup>4</sup> - صورت مجلس دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی، نوامبر ۱۹۴۴ بایگانی مرکزی حزب

فبروری ۱۹۴۵ مونتنگرو، سانجاک و بُسنی جنوبی را آزاد ساختند. پارتیزان های البانی در اثر روش عمیقاً انترناسیونالیستی خویش، در اثر پرورش کمونیستی و دلیری بیمانند خویش در نبرد، محبت و احترام عمیق اهالی یوگوسلاوی، خواه البانی ها، خواه مونتنگروئی ها، خواه مقدونی ها و خواه سانجاکی ها را به خود جلب کردند. صد ها نفر از جنگجویان ارتش رهانیبخش ملی البانی به خاطر رهائی خلق های یوگوسلاوی در میدان پیکار بر خاک افتادند.

ادامه دارد...